

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هادی میثروی
۱۸ اپریل ۲۰۲۳

منظور از «سازماندهی مستقل از بورژوازی» چیست، چرا و چگونه است؟

سازماندهی مستقل از بورژوازی امری روشن و تاریخی ست. تجربه ای تاریخی که از یک هسته تا یک گروه تا شبکه ای سراسری از سازمان‌های مستقل از بورژوازی، به لحاظ تشکیلاتی و سیاسی و فرهنگی و به ویژه مالی، به مدت دو قرن است که مطرح شده اند. این نوع تشکل‌ها جهت ادامه حیات، بایسته است مرزبندی روشنی در نوع سازماندهی، اهداف سیاسی، فرهنگ و منابع کسب درآمد، از بورژوازی داشته باشد!

خوب آیا این همه استقلال همه‌جانبه باعث انزوا و تجزیه و تحلیل رفتن تشکل‌های مستقل نخواهد شد؟

پاسخ نویسنده به این سؤال حیاتی برای سازماندهی جهانی عاری از استثمار انسان از انسان، قاطعانه یک «نه» بزرگ است!

بیانید فداکاری‌های پرولتاریا، خانواده‌های پرولتری و کمونیست‌های قرن گذشته و دلایل شکست‌ها را مجدداً همین امروز با هم بررسی کنیم.

به رغم همه فداکاری‌ها در قرن گذشته؛ از جمله پیروزی و شکست انقلاب کبیر اکتوبر و پیروزی و شکست انقلاب مظلوم بهمن‌ماه-دلو؛ دلیل اصلی شکست، چیزی به جز برچیدن انجمن‌ها و کمیته‌ها و شوراها و جایگزینی یک یا چند دیوان‌سالاری به جای شوراها و ایجاد دیکتاتوری احزاب به جای دولت کارگری و تعطیل دوران انتقالی «دیکتاتوری پرولتاریا» از بالا، چیز دیگری نبوده است!

نویسنده نمی‌فهمد و نمی‌پذیرد که دستاورد تجربه نزدیک به دو قرن فداکاری و شکست پرولتاریا، مجدداً در این سر و آن گوشه دهکده کوچک جهانی، به تجدید سازماندهی غیرشورائی از ما بهتران با «حقوق ویژه»، منجر گردد!

رفقائی که هنوز به دنبال نوع سازماندهی هر می با منطق لزوم وجود «رهبری»، با نسخه ماقبل تاریخ انقلاب ارتباطات و به شکل سانترالیسم دموکراتیک و غیرشبکه‌ای هستند، به نظر نویسنده دو جنبه از حقیقت لحظه کنونی را نمی‌بینند!

جنبه اول حقیقت همین امروز جهان که در مقابل چشمان ماست، در یک کلام «کلان انقلاب ارتباطات» است!

باور و فهم این جنبه حقیقت، بیش از نیمی از مشکلات امروز ما در مورد «سازماندهی مستقل از بورژوازی» را حل خواهد کرد!

به عبارت دیگر اگر در آستانه قرن گذشته برای سازماندهی و پیشبرد مبارزه طبقاتی به تشکل‌های مخفی و منسجم هر می دور از چشم و گوش پولیس سیاسی نیاز داشتیم و این نوع تشکل‌ها را با احضار و اخطار و اخراج و دستگیری

و شکنجه و خون می ساختیم، بایسته است بپذیریم که امروز کار پنهان از چشم و گوش پولیس سیاسی دولت های امپریالیستی، امری نزدیک به محال است و اتفاقاً پولیس های سیاسی دولت های بورژوازی از این نوع سازماندهی های متمرکز هر می، به عنوان تور برای شکار کارگران پیشرو جانباخته استفاده می کنند!

جنبه دیگر حقیقتی که بایستی بپذیریم شکست های قرن گذشته پرولتاریاست که نهایت خود را در فروپاشی دیوار برلین نشان می دهد!

تجربه قرن گذشته نشان می دهد که این نوع سازماندهی متمرکز هر می، همیشه و در همه جا تبدیل به یک دیوانسالاری شده است. دیوانسالاری که بهترین حالت آن، حکومت جمهوری خلق چین است که به رغم پیشرفت های بسیار و عبور دادن حدود یک و نیم میلیارد انسان از خط فقر، ربطی به حاکمیت انجمن ها و کمیته ها و شورها و دوران انتقال به سوسیالیسم و تبلیغ و تدریس و ترویج فرهنگ «پرولتاریا» در نفی فوری و آنی ریخت و پاش و لوکس و تبعیض و طبقه بندی و ستاره نشان کردن شهروندان «ندارد»!

خوب لب کلام نویسنده، تشخیص فاصله و تنظیم رابطه درست کارگران پیشرو و کمونیست ها با نیروهای خرد و کلان ملی و جهانی، با توجه به معیارهای برآمده از بیش از دو قرن مبارزه طبقاتی ست! من نوعی به نوبه خود از همه کارگران پیشرو و مدعیان دفاع از انقلاب و سازماندهی مستقل پرولتاریا و دوران طولانی انتقال به سوسیالیسم، سؤال می کنم:

رفقاء با انرژی محدودی که در خود و هسته کارگری خود و گروه محلی خود داریم و در نبود یک شبکه سراسری مستقل از بورژوازی، ورود من «ایسیلون» به یک تشکیلات غیرشورائی چه نتیجه ای خواهد داشت؟

فرض کنید در همین لحظه من ثلث مفید وقت و زندگی شبانه روزی خود را در یک جریان غیرشورائی خرج کنم. آیا واقعیت سرسخت خارج از ذهن من بارها ثابت نکرده است که من به مثابه جزئی شورائی؛ آنهم تحت حاکمیت جهانی سرمایه؛ قادر به تغییر یک کلان مجموعه غیرشورائی نیستم؟

واقعاً باعث تعجب نویسنده است که کسانی که از سازماندهی مستقل از بورژوازی سخن می گویند، ناگهان دچار تحولاتی ناشناس برای من نوعی می شوند و مشارکت در سازماندهی غیرشورائی- غیرپرولتری را در دستور کار خود قرار می دهند!

این بخش از کارگران، همیشه و در همه جا وقتی با تکرار دستاوردها و شکست های دو قرن مبارزه طبقاتی روبه رو می شوند، بحث از «مشارکت جهت تأثیر گذاری» بر تشکل های غیرشورائی تحت عنوان اثرگذاری بر «دهقانان» و «بورژوازی ملی» و «خرده بورژوازی ضدامپریالیست» به مثابه «متحدان پرولتاریا» می کنند!

ریشه این نوع تجزیه و تحلیل مسایل و تنظیم عمل روزمره، از نظر نویسنده بر مبنای خوشبینی برآمده از نوعی رمانتیسم غیرماتریالیستی خیرخواهانه است. آنچنان خیرخواهانه که به خلق رمان تاریخی «دن کیشوت» اثر زنده یاد میگوئل دو سروانتز می انجامد. عاقبت این نوع رمانتیسم در عصر جدید، نهایتاً به جایگزینی پیشتانان به جای توده ها و محاصره شهرها از طریق روستاها و نفی تیوری بقاء و جنگ پارتیزانی در کوه و تبلیغ مسلحانه چریک در شهر منجر می گردد. آنچه به دنبال این نوع استدلال در صحنه عمل دیده ایم، همین اوضاع کنونی ماست که فراموش شدن پرولتاریا و رها کردن سازماندهی مستقل از تمامیت بورژوازی و کنار گذاشتن نظری «دیکتاتوری پرولتاریا» به مثابه دوران طولانی انتقال به اقتصاد و سیاست و فرهنگ سوسیالیستی ست!

رفقای کارگر، کمونیست ها؛

ماتریالیسم و دیالکتیک توازن قدرت نشان می دهد که با یک کاسه ماست یک دریا دوغ نمی توان درست کرد!

تجربه نشان می دهد که همه کارگرانی که برای تغییر «خانه کارگر» و «شورای اسلامی کار» و دیگر تشکل های غیرمستقل از اقتصاد و ساختار و فرهنگ بورژوازی پیوستند، عملاً به چرخ و دنده این تشکل ها تبدیل شده اند و نه تنها قادر به «شورائی و مستقل» کردن این قبیل تشکل ها نشده اند بلکه؛ با هزاران هزار تأسف؛ در سراسر جهان عملاً به سیاهی لشکر این تشکل های وابسته و عاملی در جهت پیشبرد اهداف بخشی از بورژوازی ایران و جهان تبدیل شده اند!

رفقای کارگر، کمونیست ها؛

تجربه دو قرن گذشته نشان می دهد که سیاست انتخاب بد از میان بدترها و تأثیرگذاری بر تشکل های غیرشورائی و غیرمستقل از بورژوازی هر آنچه کم نتیجه، ناپایدار، پرهزینه و حتی خطرناک بوده است، درست به عکس؛ جهت مداخله مستقیم در مبارزات روزمره توده ها؛ ایجاد «خوب» در هسته ها و گروه ها و شبکه ای سراسری از تشکل های مستقل از روش و منش و برنامه و فرهنگ بورژوائی اثرگذار و پایدار و مفید و کم هزینه بوده است!

رفقای کارگر، کمونیست؛

در شرایط امروز ایران به جای تسلیم شدن به بد در مقابل بدتر و فعالیت به سبک و سیاق قرن گذشته، شایسته است هر جا که هستیم به فکر ایجاد «خوب» باشیم!

با آنچه گفته شد «خوب» ایجاد هسته ها و تشکل ها و گروه های مستقل از بورژوازی جهت ایجاد شبکه ای سراسری از اشخاص حقیقی و حقوقی ست که در روش و منش و سیاست و فرهنگ، مرزبندی روشنی با کلیت تشکیلات و سیاست ها و فرهنگ بورژوائی داشته باشند!

به واقع امروز عدم رعایت مرزبندی روشن با شکل و محتوای بورژوائی در هر لحظه، در هر زمینه و در هر نقطه جهان، چیزی به جز نیوانحلال طلبی نیست. امروز با نفی عدم استقلال همه جانبه و در تمامی زمینه ها و به عبارتی با تمامیت بورژوازی، از نظر نویسنده «نیوانحلال طلبی» ست که با خلع سلاح کردن نظری و تشکیلاتی پرولتاریا، آفت اصلی سازماندهی جهانی پرولتاریا، در در انداختن طرحی نو ست!

رفقای کارگر، کمونیست ها؛

برای برپائی جهانی دیگر، همیشه و در هر جا که هستیم به سازماندهی «خوب» مستقل از شکل و محتوا و به ویژه فرهنگ بورژوازی، در بطن جامعه بپردازیم!

زنده با اول ماه مه!

زنده باد انقلاب!

زنده باد حاکمیت مستقیم اکثریت عظیم تولیدکنندگان!

زنده باد کمونیسم!

هادی میتروی

فرانسه، ۱۷ روز تا اول ماه مه ۱۴۰۲